

مقدمه ای بر مبانی علم توسعه
جلد اول
(دوگانگی)

مؤلف:

دکتر محسن مبینده رودی

استادیار گروه اقتصاد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرمان

با یادداشتی از :

دکتر جمشید پژویان

استاد اقتصاد دانشگاه علامه طباطبائی

انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرمان

سال ۱۳۹۵

سرشناسه	زاینده رودی، محسن، ۱۳۴۵-
عنوان و نام پدیدآور	مقدمه‌ای بر مباحث علم توسعه / مؤلف محسن زاینده رودی؛ با یادداشتی از جمشید پژویان.
منشأیات نشر	کرمان: دانشگاه آزاد اسلامی، واحد کرمان، مرکز انتشارات علمی، ۱۳۹۵.
مشخصات ظاهری	ج- ۲: جدول
مادر جان	ج- ۱: دو گانگی، -
موضوع	اقتصاد توسعه
موضوع	Development economics:
موضوع	توسعه پایدار
موضوع	Sustainable development:
موضوع	رشد اقتصادی
موضوع	Economic development:
رده‌بندی دینی	۳۳۸/۹:
رده‌بندی کنگره	HD۷۵/ز۲م۷ ۱۳۹۵:
وضعیت فهرست نویسی	فیب
شماره افزوده	پژویان، جمشید، ۱۳۴۴.
شماره افزوده	دانشگاه آزاد اسلامی، واحد کرمان، مرکز انتشارات علمی
شماره کتابخانه‌ای ملی	۴۵۵۵۹۲:
شابک	ISBN : 978-964-10-4547-2 ۹۷۸-۹۶۴-۱۰-۴۵۴۷-۲:

عنوان:	مقدمه‌ای بر مباحث علم توسعه جلد اول (دوگانگی)
مؤلف:	دکتر محسن زاینده رودی
یادداشت:	دکتر جمشید پژویان
ویراستار ادبی:	مجید غلامحسین پور
حروف نگاری و صفحه آرایی:	فاطمه معین الدینی
طراحی روی جلد:	نسیم شهاب پور
ناشر:	انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرمان
نمونه خوان:	اکبر ایرانپاک
ناظر چاپ:	فاطمه معین الدینی
توبت چاپ:	سال ۱۳۹۵
شمارگان:	محدود
بها:	۱۵۰۰۰ ریال
شماره نشر	۹۵/۱۷
شابک:	۹۷۸-۹۶۴-۱۰-۴۵۴۷-۲

(حق چاپ برای ناشر محفوظ است)

نشانی: کرمان، بلوار ولی عصر، دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرمان - ساختمان اداری شماره ۴، طبقه سوم، انتشارات

تلفن و نمابر انتشارات: ۳۱۳۲۱۷۶۵

کد پستی: ۷۶۳۵۱۳۱۱۶۷

به نام خدایی که توفیق از اوست

دل زنده را نور تحقیق از اوست

مرکز انتشارات علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرمان می‌کوشد تا با توجه به ضرورت معرفی توانمندی‌های علمی موجود در مجموعه و شناساندن روند خجسته‌ی تولید فکر و نظریه، نسبت به چاپ و انتشار تألیفات و ترجمه‌های گران‌سنگ اعضای هیأت علمی خود و دیگر پژوهشگران و اندیشمندان اقدام نموده و بدین ترتیب در حد بضاعت، به جهاد علمی مطرح در سطح کشور و به ویژه مجامع هم‌پیوند با آموزش عالی، یاری رساند. اهتمام به پذیرش آثار قلمی نویسندگان و مترجمان دانشگاهی و تقبل مسئولیت در قبال کلیه‌ی مراحل آماده‌سازی، چاپ و انتشار هر اثر، آفرینندگان آن را از انگیختگی‌های ممتد و دراز دامنه در بیرون از واحد بی‌نیاز نموده و زمینه‌های مناسبی برای ترتیب روز افزون اعضای هیأت علمی به ارائه‌ی آثار نوین، کاربردی و اثرگذار در موضوعات گوناگون فراهم آورده است.

علاوه بر آن مرکز در صدد است تا با تکیه بر تشریک مساعی عموم مسئولان، امکانات و تجهیزات خود را، متناسب با چشم‌انداز توسعه‌ی مرکز، توسعه داده و به وجه شایسته تقویت نماید. اما در عین حال استمرار موفقیت این مرکز، جز در پرتو طاف بی‌دریغ الهی و حسن توجه و حمایت پدیدآورندگان آثار ارزشمند علمی، ناممکن می‌نماید.

از این رو فروتنانه از پروردگار متعال مدد طلبیده و بر عزم جدی خود در ادامه‌ی مسیری که برگزیده‌ایم، پای می‌فشاریم. تا چه در نظر آید.

انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی

واحد کرمان

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۹	یادداشت / دکتر حاجی‌پور
۱۱	پیشگفتار
۲۱	فصل اول: مقدمه
۳۹	فصل دوم: ضرورت مطالعه فلسفه علمی علم توسعه
۵۳	فصل سوم: ویژگی‌ها و موضوع علم توسعه
۶۷	فصل چهارم: تعریف علمی توسعه
۱۴۱	فصل پنجم: قانون‌مندی‌های علم توسعه
۱۷۵	فصل ششم: تجزیه و تحلیل مفهوم دو دانگی
۲۵۱	منابع و مآخذ

شاید بدون اغراق، مطالعات علم توسعه، یکی از گسترده‌ترین مطالعات در حوزه علم اقتصاد می‌باشد. زمینه توجه به اکسیوماتیک بودن علم اقتصاد و تأثیر آن در مطالعات علم توسعه، اولین بار توسط مرحوم دکتر حسین عظیمی در ایران، رواج پیدا کرد.

شک ندارم با شناختی که از مؤلف دارم، با علاقه زیاد به مباحث علمی دکتر عظیمی و تلاش در ارتقاء و تحیح مفاهیم علم توسعه، به خوبی توانسته است نکات مهمی از مطالعات این علم مهم و گسترده را در کتاب این کتاب، مطرح کند.

توجه به حوزه‌های اقتصاد خرد و رفتارهای عقلایی و تحلیل‌های بسیار ساده مسایل اقتصادی (دانش اقتصادی مردم) به عنوان عنصر اصلی تحولات توسعه‌ای که در مجموعه سیاست‌های ساختاری در علم اقتصاد مطرح می‌شود، از نکات بارز این کتاب است.

دکتر جمشید پژویان

استاد اقتصاد دانشگاه علامه طباطبائی

دی ۱۳۹۵

پیشگفتار

امروزه در شرایط جوامع در حال گذار، مطالعه مبانی علم توسعه در بین حوزه‌های علوم انسانی، یک ضرورت است. مبانی علم توسعه، ما را با چهارچوب‌های نظری و قانون‌مندی‌های دوران گذار، آشنا می‌کند و می‌تواند دستاوردهای این علم مورد استفاده در سایر حوزه‌های علوم انسانی را، جهت فراهم ساختن زمینه‌های تحول در سایر ساختارها فراهم کند. مبانی علم توسعه باید فراتر از مطالعات توسعه اقتصادی و عنوانی از این قبیل که تنها بر یک ساختار در تحولات توسعه تأکید می‌کند، دیده شود. استفاده از روش‌های علمی و تأکید بر مطالعات تاریخی و عینی در فرایند دوران گذار می‌تواند دستاوردهای بسیار مناسب و مفیدی را برای سیاست‌گذاران، فراهم کند. شاید بتوان بدون اغراقی گفت که امروزه یکی از گسترده‌ترین حوزه‌های مطالعاتی در علم اقتصاد، مطالعه علم توسعه است. دامنه مباحث توسعه با توجه به پیچیدگی جوامع در حال گذار به حوزه‌های اقتصاد خرد منحل شده و تقریباً همه مطالعاتی که در خصوص مسئله فقر و درآمد و رشد و توسعه انجام می‌پذیرد، با آن‌ها به تحلیل‌های اقتصاد خرد و رفتارهای عقلانی به عنوان مبنایی برای تحلیل و کشف قانون‌مندی‌های رفتار مصرف‌کننده، به چهارچوب‌های مطالعات اقتصاد توسعه، سرایت کرده است. در مطالعات جدید علم توسعه، رفتارها علامت‌دهنده و منشأ اساسی در تحولات همه‌جانبه در ساختارهای یک جامعه هستند و کشورهای توسعه‌یافته، به طور مداوم در اصلاح این رفتارها (متناسب، عقلایی و همادست) کوشش می‌کنند. تأکید بر حوزه‌های اقتصاد خرد و قابلیت‌های رفتارهای عقلایی که در اصول اقتصاد خرد وجود دارد و همچنین تأکید بر اهمیت نظریه‌پردازی و ویژگی‌های نظریه‌پرداز (همت، جود علم و استعداد) در مباحث سیاست‌گذاری، از مهم‌ترین محورهای جدید مطالعات علم توسعه به‌شمار می‌رود.

هنگامی که از توسعه‌نیافتگی و توسعه سخن می‌رود، آنچه که به ذهن خطور می‌کند، معمولاً جنبه‌های اقتصادی این حالت‌های اجتماعی است. اما تفاوت بین جوامع توسعه‌نیافته و پیشرفته به مراتب از محدوده شاخص‌های اقتصادی فراتر می‌رود، زیرا جامعه بشری دارای جنبه‌ها و ابعاد گوناگونی است که در مسیر توسعه به ناگزیر، تحول و تطور می‌یابند. به عبارت دیگر، دو عنوان توسعه نیافتگی و توسعه بر پدیده‌های اجتماعی متفاوتی اطلاق می‌شوند که جز در عمومی‌ترین

ویژگی‌های جامعه بشری، شباهه‌چندانی با هم ندارند، حتی از نظر تاریخی نیز نمی‌توان جامعه توسعه‌یافته را صرفاً امتداد زمانی جامعه توسعه‌نیافته تلقی کرد و نتیجه گرفت که دگرگونی طبیعی دومی، ناگزیر به ظهور شرایط جامعه اول منجر می‌شود. و این موضوعی است که در ادامه به تفصیل به آن می‌پردازیم.

از سوی دیگر، عوارض مختلف توسعه نیافتگی چه در بُعد اقتصادی و چه در جنبه‌های دیگر زندگی اجتماعی قطعاً نامطلوب بوده و رهایی از آن، هدفی مشروع و طبیعی است. اما برای درمان توسعه‌نیافتگی لازم است نخست جامعه توسعه نیافته را به طور کامل شناسایی کرده و ضمن تعریف و مقایسه هر جامعه، تحقق شرایط و ویژگی‌های آن، با ویژگی‌ها و شرایط جامعه پیشرفته، مسیر توسعه را مشخص کنیم. منظور از مطالعات توسعه نیز دقیقاً همین است.

مباحث توسعه که از لحاظ علمی حد خود واجد اهمیت و جالب توجه هستند، از نظر کسانی که در مناطق توسعه نیافته زندگی می‌کنند، تنها جنبه نظری ندارند. برای آنان، توسعه نیافتگی و پیامدهای اجتناب ناپذیر آن، فقر، بی‌بضایتی، عقب ماندگی فرهنگی و جز آن پدیده‌های بسیار ملموس و فاجعه‌هایی روزمره‌اند و فاجعه را زمانی هراس‌آورتر می‌بینند که بدانند فرزندان‌شان که امروز پا به عرصه هستی می‌نهند، نسل آینده و نسل‌های پس از آن، همچنان شهروندان محروم جامعه جهانی باقی خواهند ماند.

اما آیا در این میان، وظیفه پژوهشگر توسعه چیست؟ بی‌تردید فرایند توسعه، بدون همکاری و همیاری یکایک افراد جامعه و آمادگی فکری و فرهنگی آنان برای پذیرش شرایط گذر از مسیر توسعه، امکان‌پذیر نمی‌گردد و این واقعیت را تاریخ ملل توسعه‌نیافته و گسست برنامه‌های عمرانی، به خوبی نشان می‌دهد. پیمودن مسیر توسعه اقدامی نیست که بتوان آن را منحصرراً بر عهده یکی از نهادهای متعدد اجتماعی یا دستگاه حکومتی قرار داد و لزوم مشارکت فعال تمامی مردم را، انکار کرد. در واقع، اگر چنین مشارکتی وجود نداشته باشد و توده مردم نتوانند مفهوم توسعه را به خوبی درک کرده و به آن اعتقاد یابند، هیچ حکومتی، هر چند مقتدر و هر اندازه صالح، قادر نخواهد بود توسعه و پیشرفت اجتماعی را بر ملت خود تحمیل کند، بی‌آنکه نطفه سوء تفاهم و بی‌اعتمادی متقابل بین مردم و رهبران را، منعقد سازد.

بنابراین، مهم‌ترین وظیفه علوم توسعه، روشن ساختن واقعیات توسعه نیافتگی و چگونگی رهایی از شرایط رقت‌آوری است که بر جامعه عقب‌مانده حکم فرماید. البته تبلیغ و اشاعه «تفکر توسعه» و پذیرش «فرهنگ توسعه» از سوی مردم، رسالتی بر دوش رهبران فکری و سیاسی جامعه است که باید بدون توجه به مشرب و گرایش‌های مسلکی خود این واقعیت انکارناپذیر را تفهیم کنند که: هیچ پایگاهی در ساختار عقب‌مانده، هر چند به ظاهر ارزنده، دارای اهمیت و ارزش در جامعه‌ای نیست که تمامی افراد آن گرفتار فقر و جهل بوده و در صحنه توزیع جهانی قدرت، و نفوذ سیاسی، اقتصادی و فرهنگی کمترین محلی از اعراب ندارند. رهبران صالح جامعه، باید راه را قانع می‌سازند که امتیازهای اجتماعی و اقتصادی، زمانی واجد اهمیت و ارزش هستند که کل آن جامعه را به اعتبار و حیثیت جهانی برخوردار باشد. بدین‌گونه، دگرگون شدن ساختار ارزشی جامعه، تغییر به تحولاتی که در رده‌بندی اجتماعی و به ناگزیر در شرایط توسعه بروز می‌کند، برای طبقات مختلف قابل قبول خواهند شد. در این میان، پژوهشگر توسعه مؤلف است ویژگی‌های جامعه توسعه‌نیافته، مسیر توسعه و شرایط جامعه پیشرفته را تبیین کرده و گزینش‌هایی را که در برابر رده توسعه‌یافته وجود دارد، مشخص سازد (الیاسی، ۱۳۸۹: ۵۰).

کتاب حاضر نیز دقیقاً همین هدف را پیش‌پیش می‌کند. اما شاید پیش از آنکه توضیح دهیم این کتاب دربردارنده چه مطالبی است، بهتر باشد تا به تدریج کنیم که چه مباحثی را در بر نمی‌گیرد. این کتاب تخصصی تفصیلی و نظری دربارهٔ آن یا چند جنبه از مباحث توسعه نبوده و در نظر ندارد به بحث تخصصی بپردازد. همچنین، منظور از ارائه آن، اثبات یا نفی دیدگاه یا انگاره خاصی نیست. در مقابل، هدف آن است که در آن مطالبی عمومی برای خواننده علاقه‌مند به مسایل توسعه مطرح شود. به نحوی که وی بتواند ابتدا با مهم‌ترین مقوله‌های توسعه که برای شناخت جامعه خود او ضرورت دارند، آشنا شود و دوم این‌که بتواند ابزار تحلیلی ساده و مناسبی را برای تفسیر و نتیجه‌گیری از وقایع و پدیده‌های مربوط به جامعه توسعه‌نیافته، در اختیار بگیرد. برای این منظور لازم است تا در ابتدا یک انگاره «تشخیصی» مناسب، مطرح شود. این انگاره به تفصیل در نوشته‌ای دیگر مطرح و کارایی آن اثبات شده است و بنابراین، آنچه که در فصل اول کتاب حاضر ارائه می‌گردد، صرفاً نتایج ساده و خلاصه شده بحث جداگانه‌ای در شناخت و روش-

شناسی است. با مطالعه این فصل، نه تنها خواننده قادر خواهد بود مطالب بعدی را به نحوی عمیق‌تر بررسی کند، بلکه در مجموع امکان آن را خواهد یافت تا به‌طور مستقل به اظهار نظر منطقی و متقن درباره مشاهدات شخصی خود نیز بپردازد. و تردیدی نیست که برخورد منطقی با پدیده‌های اجتماعی و اجتناب از پذیرش نتیجه‌گیری‌های غیرمستدل به نوبه خود، یکی از پیش-شرط‌های ایجاد همان «تفکر توسعه» است که به آن اشاره شد.

سایر فصل‌های کتاب نیز هر کدام بر استدلال‌های منطقی و انگاره‌هایی خودپذیر، استوار هستند. و گرچه در مواردی به خاطر اجتناب از درگیری در مباحث تخصصی بدنه این استدلال‌ها ارائه نشده، اما منابع اخذ آن ذکر گردیده و خواننده علاقه‌مند می‌تواند شیوه اثبات نتایج مذکور را، پیگیری کند. آنچه که باید مورد تأکید قرار گیرد این است که گرچه مطالعه کتاب بدون مطالعه نخستین فصل نیز میسر است، اما توسعه می‌شود خواننده با تخصیص وقت و حوصله برای آشنایی دقیق‌تر با محتوای این فصل، برای بررسی فصول بعد و نوشته‌های اجتماعی دیگر، دیدی منتقدانه‌تر و موشکافانه کسب نماید.

در مورد فصول مختلف دیگر نیز ارائه توضیحاتی مقدماتی، خالی از فایده نیست. جامعه عقب مانده پدیده‌ای مختص زمان معاصر است و سابقه‌ای در تاریخ ملل پیشرفته ندارد. این ویژگی استثنایی از آنجا ناشی می‌شود که بخشی از این جامعه از لحاظ تاریخی به نظام‌های ماقبل سرمایه‌داری و بخشی دیگر به نظام سرمایه‌داری، شباهت دارد. در عین حال، هر دوی این بخش‌ها در چارچوبی واحد و زیر نظارت یک نهاد مشترک، یعنی حکومت، مآل قرار گرفته و به صورت ناگزیر روابطی با یکدیگر نیز دارند. روابطی که صرفاً به لایه‌های خاص از نظام اجتماعی منحصر می‌گردد. با این همه، برای درک کلیت جامعه عقب مانده لازم است در آغاز دو مرحله مختلف تاریخی توصیف و سپس ادغام آن‌ها در جامعه توسعه نیافته، تبیین شود. برای این منظور، دو روش بررسی در برابر ما قرار داشت: نخست مبادرت به یک رشته بررسی‌های نظری همراه با ارائه شواهد تاریخی، و دیگری منحصر ساختن مطلب به نتایج نهایی چنین بررسی‌هایی و کاربرد شواهد به گونه‌ای توصیفی. از آنجا که استفاده از روش اول و طرح بدنه اصلی استدلال‌ها، مستلزم بهره بردن از مفاهیم و فنون تحلیلی کاملاً تخصصی بود، برای حفظ روال

خاص این کتاب به گزینش دوم گردن نهادیم. از این‌رو در فصل ششم، به بررسی ویژگی انگاره‌های ساده‌ای از جامعه‌ای کاملاً ماقبل سرمایه‌داری و جامعه‌ای کاملاً سرمایه‌داری پرداخته‌ایم. بدین‌گونه، خواننده، جامعه عقب‌مانده را به‌صورت تلفیقی از این دو انگاره، مجسم خواهد کرد. از نظر آشنایی با شواهد تفصیلی در این دو مقوله نیز مراجعه به مأخذ تخصصی می‌تواند نظر خواننده علاقه‌مند را، تأمین کند.

پیش از خاتمه این مقدمه، ذکر نکته‌ای درباره اصطلاحات رایج در این کتاب خالی از فایده نخواهد بود. نخست عناوینی است که برای جامعه توسعه نیافته برگزیده‌ایم. گاه در نوشته‌های توسعه با اصطلاحاتی چون: «در حال توسعه»، «رشد نیافته»، «از رشد بازداشته شده» و نظایر این‌ها روبرو می‌شویم که سنگی به یک پدیده واحد، یعنی جامعه در حال گذر برمی‌گردند. البته هر اصطلاحی می‌تواند مناسبت‌کننده سلیقه نویسنده گزینش‌گر آن باشد، اما درباره مبحث توسعه نیافتگی، شاید بهتر باشد به در این زمینه نیز صراحت لهجه را برگزینیم. جوامع توسعه نیافته، جوامعی هستند که در مقایسه با جوامع پیشرفته، قطعاً گرفتار عقب‌ماندگی در جنبه‌های عینی زندگی خود هستند. بنابراین ما اصطلاح «در حال گذر» را بر اصطلاحات دیگری که یا در صدد پرده‌پوشی واقعیات و یا گریز از مسئولیت، این ملل در قبال وضعیت موجود خود هستند، ارجح می‌دانیم. با این همه، باید تأکید کنیم که ملل عقب‌مانده بنا بر معیارهایی مشخص -معیارهایی که با آنها آشنا خواهیم شد- عقب‌مانده تلقی می‌شوند و به هیچ وجه نباید برای این اصطلاح، تواردی عاطفی و کاربردی نامحدود قابل شد. برخی از این ملل در جنبه‌هایی از فرهنگ و تاریخ خود و شخصیت‌هایی که به جامعه بشری هدیه کرده‌اند، نه تنها عقب‌مانده نیستند، بلکه نقش رهبری را نیز ایفا کرده‌اند.

اصطلاح دیگر، واژه «جهان سوم» است. این اصطلاح به طور عام و متعارف، با عبارات: «ملل عقب‌مانده» یا «ملل توسعه نیافته» مترادف انگاشته می‌شود و ما خود آن را در این مفهوم به کار گرفته‌ایم. اما باید توجه داشت که جهان زمان ما تنها با دو گونه «جهان» شکل می‌پذیرد: جهان توسعه یافته و جهان توسعه نیافته و تقسیم‌بندی‌های دیگر، فاقد مبنای نظری خردپذیر هستند.